

# جایگاه بارگاه‌های امامزادگان در جهان اسلام

سید محمد رضا حسینی جلالی

## چکیده

از آغاز اسلام، خاندان رسول خدا ﷺ از سوی مسلمانان احترام و تکریم می‌شدند. خداوند نیز در قرآن به مودت، محبت و احترام آنان سفارش کرده و اجر و مزد رسالت پیامبر اکرم ﷺ را دوستی خاندان آن حضرت قرار داده است.

فرزندان رسول خدا ﷺ که خود پیامبر ﷺ نیز همواره به مهربانی با آنان سفارش می‌کرد، برای پاسداری از دین اسلام و تبلیغ آن به دورترین سرزمین‌ها مهاجرت کردند و گاه در این راه به شهادت رسیدند. آرامگاه‌ها و مراقد این بزرگواران که از آسیا، اروپا و آفریقا تا هند و چین پراکنده شده‌اند، شاهد این مدعاست. این آرامگاه‌ها و مراقد، همواره مورد احترام و تکریم مردم در سراسر سرزمین‌های اسلامی و از نشانه‌های تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ ولی گروه‌های منافق و فاسد، افزون بر تلاش در نابودی این بارگاه‌ها و مقام‌ها، می‌کوشند اعتقاد مسلمانان به ایشان را سست و آلوده کنند.

این نوشتار بر آن است ضمن تبیین جایگاه فرزندان رسول خدا ﷺ و مراقد این بزرگواران نزد مسلمانان، اهمیت و جایگاه بارگاه‌های امامزادگان در جهان اسلام را از جهات گوناگون شرح دهد.

**واژگان کلیدی:** خاندان رسول خدا ﷺ، امامزادگان، جهان اسلام، بارگاه.

ذریهٔ رسول الله ﷺ و فرزندان اهل بیت ﷺ از بدو تاریخ اسلام مورد احترام و تکریم مسلمانان بودند؛ چون انتساب آنها به ذات پیامبر عظیم الشان و گرامی حضرت خاتم الانبیاء و سید المرسلین آنها را عظمت و عزت بخشیده است، که بدان وسیله آنها از ذاتیات و روحيات و روش آن حضرت بهره‌ای برده‌اند و وارث مکارم شده‌اند.

افزون بر این، خدای متعال در آیات کلام الله مجید، بارها به مودت و محبت و احترام آنان تأکید و توصیه فرموده، حتی در آیه **﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾** (شوری، آیه ۲۳) اجر و مزد زحمات طاقت‌فرسای پیامبر اکرم را در تبلیغ رسالت سنگین اسلام، مودت به ذریه و ذوی القربی قرار داده است. همچنین خود پیامبر اکرم ﷺ در احادیث فراوان، به مدارا و محبت و مهربانی به آل گرامی‌اش سفارش نموده؛ بلکه احادیث در این باب به حد تواتر رسیده است و برای گردآوری این احادیث، کتاب‌های بسیاری تألیف و تنظیم شده است و بزرگان علمای اسلام و از همه مذاهب و فرق، بلکه امامانی چون احمد حنبل و نسائی به گردآوری احادیث «مناقب اهل بیت ﷺ» در صدها کتاب و به زبان‌های مختلف پرداخته‌اند.

فرزندان رسول اکرم ﷺ امر محافظت از دین مبین اسلام و تبلیغ آن را بر دوش گرفتند و پس از وفات پیامبر در تمام سرزمین پهناور اسلامی پراکنده شدند و آرامگاه‌ها و صحن‌های مقدس این شهدا و مظلومان، از ایران گرفته تا عراق و حجاز و شام و... گواه آشکار این امر است.

اما کسانی که پس از پیامبر، به اسم دین بر مردم حاکم شدند، نسبت به تلاش‌های بی‌وقفه و کوشش آل محمد علیهم‌السلام در تبلیغ دین بسیار کارشکنی کردند و با بی‌مهری و آزار و اذیت، کوشیدند تا آنها را از جامعه اسلامی دور نگه دارند. از همان روزهای اول پس از رحلت پیامبر که به دخت گرامی آن حضرت ستم روا داشتند، با غضب فدک، می‌خواستند آل محمد علیهم‌السلام را در تنگنای اقتصادی و اجتماعی قرار دهند.

این ظلم استمرار یافت و تمام سرزمین اسلامی را فرا گرفت. لذا در طول تاریخ خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس، هیچ‌چهره درخشانی از آل محمد علیهم‌السلام را در خلافت و ولایت و مناصب مهم حکومتی نمی‌بینیم؛ بلکه آن ظلم و غضب حق، با شدت هرچه بیشتر ادامه داشت و صدها تن از بزرگان آل محمد علیهم‌السلام در جنگ‌ها و اسارت‌های سخت یا زیر شکنجه شهید شدند و تاریخ اسلام از این صفحات ستمگری و سیاه پر است، که ابوالفرج اصفهانی در کتاب «مقاتل الطالبیین» و علامه امینی در کتاب «شهداء الفضیلة» گوشه‌هایی از آن را ضبط کرده‌اند.

با تنگ شدن عرصه کشور پهناور اسلامی بر دودمان شریف آل محمد، چاره‌ای جز هجرت به دورترین نقاط خارج از سلطه خلفای آن زمان نبود و هر چه از کرامات و علوم و معارف دین و رسالت اسلام را که داشتند، با خود به اطراف بردند و در میان مردم مشغول تبلیغ شدند. در مشرق‌زمین به سرزمین هند و ماوراءالنهر (ترکستان)، بلکه به مرزهای چین رسیدند، و در مغرب‌زمین از آفریقا و شمال آن و اندلس، به مرزهای فرانسه وارد شدند و در هر جا که ساکن شدند، دین مبین اسلام را منتشر کردند و مردم گروه‌گروه به آیین حق گرویدند. آن بزرگان در هر جا که توانستند، حکومت‌های اسلامی به رهبری آل محمد تشکیل دادند.

اما حکومت‌های فاسد در سرزمین‌های اسلامی، دست از دشمنی با ایشان برنمی‌داشتند و با آتش‌افروزی و به راه انداختن جنگ‌های ویرانگر، به سرزمین‌هایی که آل محمد علیهم‌السلام بر آنها حاکم بودند، حمله می‌کردند و طاقت دیدن دولت‌های شیعی را نداشتند. در پی این جنگ‌ها و شهادت امامزادگان در مناطق دور و نزدیک سرزمین اسلامی، در هر گوشه‌ای بارگاه و حرم یکی از آل محمد علیهم‌السلام بنا نهاده می‌شد که مسلمانان به آنها ادای احترام می‌کنند و آنها را مقدس می‌دانند.

این مرقاد و بارگاه‌ها نشانه‌های تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی است، و از چند جهت حائز اهمیت است:

اول: هر یک از این بارگاه‌ها سندی است محکم بر اسلامی بودن آن سرزمین و این که اسلام به این سرزمین رسیده و با کوشش انسان‌های پاک فتح شده و خون پاک فرزندان رشید اسلام و بهای اسلامی بودن این سرزمین هاست.

دوم: وجود این امامزادگان دلیل بر عظمت اهل بیت عصمت و طهارت است، که با کوشش‌ها و جان‌فشانی‌های خود، امر هدایت بشر را بر عهده گرفتند و نهال اسلام را در آن سرزمین‌ها کاشتند که هنوز هم نام و نشان‌شان در آن جا می‌درخشد؛ در حالی که از قاتلان‌شان هیچ نام و نشانی باقی نمانده است.

بارگاه مقدس و باعظمت حضرت زینب علیها السلام در شام چون گوهری در آن سرزمین می‌درخشد؛ در حالی که نه از یزید و نه از خلفای ستمگر اموی اثری باقی نمانده است. یا مقام رأس‌الحسین در مسجد اموی که مرکز خلافت یزید بود و قبر حضرت رقیه علیها السلام دخت گرامی ابا عبدالله علیه السلام که در حال اسارت به شهادت رسید. یا بارگاه مقدس حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام که در زندان سخت و طاقت‌فرسای هارون عباسی به شهادت رسید، اما اکنون حرمش آسمان بغداد را روشن کرده است. کجاست آثار هارون و بنی‌العباس که بر سرتاسر سرزمین‌های اسلامی حکومت می‌کردند؟! کجاست آن کاخ‌های باشکوه و پایکوبی‌ها؟! و کجایند آن کاخ‌نشینان ستمگر؟! این درس عبرتی برای همه تاریخ است و دلیل آشکاری است بر پیروزی حق بر باطل.

سوم: این مقام‌ها در هر نقطه‌ای که هستند، سبب پیوند مردم با دین اسلام و استحکام رابطه میان مردم و دین و آیین حق و عبادت‌گاه‌هایی برای یاد خدا و محل اجتماع مسلمانان و آشنایی با معارف و احکام دینی بوده و ارتباط آنها با علما و مجاورین بیشتر می‌شود. این ادامه راهی است که آن عزیزان به خاطر آن هجرت کردند و آرامگاه‌های‌شان چراغی برای هدایت مردم گشت.

چهارم: این همه توجه و احترام مردم به این امامزادگان، ناشی از همان اصلی است که در

ابتدا یادآور شدیم که خدا و پیامبر بر آن تأکید دارند و استمرار و ادامه آن، دلیل بر جایگاه آل محمد علیهم السلام در قلب و اندیشه مسلمانان، و معرفت ثابت مردم به ایشان است و به سبب جان‌فشانی‌های ایشان برای هدایت بشر، به مناطقی دوردست هجرت کردند و شهید شدند، و این موجب ارتباط بیشتر مردم با اهداف این بزرگواران می‌شود.

لذا می‌بینیم که گروه‌های منافق و فاسد سعی در از بین بردن این بارگاه‌ها و مقام‌ها دارند یا می‌کوشند تا عقیده مردم به ایشان را سست و آلوده کنند؛ چنان‌که فرقه ضاله وهابیت به شیعیان تهمت «عبادت کنندگان قبر» می‌زند؛ در حالی که مسلمانان عبادت خدا را می‌کنند و به این بارگاه‌ها می‌آیند که بهترین مکان‌ها برای عبادت است و جای پیوند با صاحب قبر و الهام گرفتن از اوست و این قبرها و مقام‌ها همچنان آموزگار آنهاست. اما وهابیان بر نمی‌تابند که قبور این پاکان همچنان بدرخشد و کانون توجه علاقه‌مندان اهل بیت علیهم السلام باشد. این دشمنی با اهل بیت علیهم السلام که از سقیفه آغاز شد، امروز از یهود نشأت می‌گیرد؛ چنان‌که وقتی پایه‌های بنای حرم حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نهاده می‌شد، رادیو فرانسه که ادعای پرچمداری تمدن و دموکراسی معاصر غرب را دارد، جنجال می‌کرد که: ای اهل عالم! به هوش باشید که بارگاه مقدس دیگری برای شیعیان در ایران در حال تأسیس است!

این رفتار غرب، نشان دهنده عمق تأثیر وجود بابرکت این مقامات مجلل، بر پیکر صهیونیسم و تمدن پושالی غرب است. انفجار بمب در حرم مقدس رضوی مشهد خراسان در عاشورای حسینی، به دست منافقین کوردل، و حمله وهابیون خبیث به بارگاه مقدس امام هادی و عسکری علیهم السلام در سامرا، حسینیه‌ها و مجالس عزاداری و مساجد شیعیان نیز در همین راستاست. اما آنان باید بدانند که این اعمال و حشیانه، نه تنها از تقدس این مکان‌ها نخواهد کاست، بلکه احترام و عظمت آنها را دل‌های مسلمانان صدچندان می‌کند.

آنچه تاکنون گفته شد، تکلیف زمامداران حکومت‌های کشورهای مسلمان را سنگین‌تر می‌کند که به این بارگاه‌ها و مقام‌ها بیشتر توجه کنند و از توجه و علاقه مردم به این مکان‌ها درست استفاده کرده و شکرگزار آن باشند.

برخی از کارهایی که با برنامه‌ریزی درست در این راستا می‌توان انجام داد، از این قرار است:

۱. تعیین تعداد و مکان‌های جغرافیایی و تاریخ بنای بارگاه‌های امامزادگان در سراسر جهان.

۲. انتشار آثار و کرامات امامزادگان.

۳. معرفی امامزادگان.

خوشبختانه کارهای علمی بسیاری تاکنون تألیف شده است؛ از جمله:

۱. فرهنگ مکان‌های مذهبی کشور، نوشته دکتر محمدحسین پاپلی یزدی - مشهد.

۲. تربت پاکان، نوشته سید حسین مدرسی - قم.

۳. مزارات اهل‌البیت علیهم‌السلام، نوشته سید محمدحسین جلالی - بیروت.

۴. مراقد المعارف، نوشته شیخ محمد حرزالدین - نجف.

۵. موسوعة العتبات المقدسه، نوشته جعفر الخلیلی - بغداد.

همچنین می‌توان با وزارت اوقاف در کشورهای مختلف اسلامی ارتباط برقرار کرد و به نتایج ارزنده‌ای دست یافت. امیدوارم سازمان اوقاف کشورمان به این امر مهم و حیاتی دست یازد و این خلأ محسوس را پر کند و فرصت به دست آمده در عصر جمهوری اسلامی را از دست ندهد.